

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله

شرح زیارت عاشورا (۱۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ

در غریبی تا به خاک و خون سر خود را گذاشت رو به سمت آسمان پا بر سر دنیا گذاشت
دست مردی آب بر حلقوم خشک او نریخت نیزه‌ی نامرد روی حنجر او پا گذاشت
گفت می‌خواهم بگیرم دست تو؛ او در عوض چکمه بر پا، پا به روی سینه آقا گذاشت

در حدیث «معراج» خداوند متعال فرمود: « قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْصِنِي. قَالَ: قُلْ «رَبِّيَ اللَّهُ» ثُمَّ اسْتَقِمْ. قُلْتُ: رَبِّيَ اللَّهُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ. قَالَ: لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ أبا الْحَسَنِ، لَقَدْ شَرِبْتَ الْعِلْمَ شُرْبًا وَ نَهَلْتَهُ نَهْلًا - امام علی «علیه السلام» گفتیم: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. فرمود: بگو: پروردگار من خداست و آن‌گاه (بر این گفته) ایستادگی کن. من گفتم: پروردگار من خداست و توفیقی جز از خدا نخواهم، به او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم. رسول خدا فرمود: علم گوارایت باد، ای ابا الحسن! که دانش را به وجه احسن نوشیدی و از آن به خوبی سیراب گشتی. » (کنز العمال: ح ۳۶۵۲۴)

موضوع تدبر:

رابطه دستور پیامبر (ص) به استقامت ورزیدن در راه ربوبیت حضرت باریتعالی با پاسخ امیرمؤمنان (ع) چیست؟ استقامت و پایداری و ثبات قدم در دین را چگونه می‌توان بدست آورد؟

پاسخ اجمالی:

حضرت امیر(ع) با اشاره به ارکان اصلی باور به ربوبیت حضرت حق (جلّ جلاله) و جان و حقیقت آن، چگونگی پیمودن راه و رسم استقامت در راه دین خدا را به گونه‌ای بیان فرموده‌اند که حضرت رسول(ص)، تام و تمام بودن پاسخ ایشان را با تمجید از مقام والای علمی او به شکلی که خواندید، تأیید نمودند؛ چرا که هر توفیقی را از پروردگار متعال دیدن و تنها بر او توکل نمودن و انابه به سوی او داشتن، به معنای رجوع به خدا از هر چیزی غیر او و اقبال به او با سیر و قول و فعل است که شخص را دائماً در فکر و ذکر و اطاعت خدا قرار می‌دهد، (جامع السعادات، ج ۳، ص ۹۰)
چون در این زندان بسی نتوان نشست خویشتن را باز بر از هر چه هست
دستها اول ز خود کوتاه کن بعد از آن مردانه عزم راه کن

پاسخ تفصیلی:

در شرح این فراز از زیارت عاشورا « أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صَدَقَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - خداوند مرا در دنیا و آخرت همراه با مقام صدق و صفای باطن، ثابت قدم با شما قرار دهد. »، مقام بزرگی است؛ زیرا کسی که به معرفت می‌رسد ولی ثبات قدم ندارد؛ یک قدم همراه و در محضر معصومین (ع) است و قدمی دیگر فاصله می‌گیرد، معیت و ثبات قدم نداشته، در صراط توحید و ولایت نیست.

کلید توفیق و رستگاری

در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ - در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) هان بیم نداشته باشید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید.» (فصلت: آیه ۳۰)

صبرکن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیابی کام را

استقامت با مفاهیمی چون صراط مستقیم، هدایت، عبودیت، ایمان، عمل صالح و تقوا، پیوند عمیق دارد؛ بدون وجود استقامت و ثبات قدم، انسان را به سعادت و کمال نمی‌رسد؛ خداوند متعال در خطاب به نبی بزرگوار خود می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» - پس تو چنان‌که مأموری، استقامت و پایداری کن. (هود/ ۱۱۲)

امیرمؤمنان علی "علیه السلام" در وصیتی خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَ الِاسْتِقَامَةُ الِاسْتِقَامَةُ أَلَا وَ إِنَّ الْقَدَرَ السَّابِقَ قَدْ وَقَعَ وَ الْقَضَاءُ الْمَاضِيَ قَدْ تَوَرَّدَ وَ إِنِّي مُتَكَلِّمٌ بَعْدَهُ اللَّهُ وَ حُجَّتِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ - کار کنید، کار کنید؛ آنگاه به پایانشان رسانید، به پایانشان رسانید و ایستادگی کنید، ایستادگی کنید. آگاه باشید که آنچه از پیش مقدر شده بود به وقوع پیوست و قضای حتمی الهی، اندک اندک پدیدار گشت و من از وعده خدا و حجت او سخن می‌گویم. خداوند متعال فرموده است: کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و آنگاه ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)

حضرت نوح "علیه السلام" در میان مردمی که علاقه زیادی به بت‌پرستی داشتند، آزار و اذیت فراوان دید اما در مقابل آنها استقامت ورزید. گاهی مردم آنقدر او را کتک می‌زدند که سه روز تمام به حال بی‌هوشی و اغماء می‌افتاد و از گوش وی خون می‌آمد. ایشان را بر می‌داشتند و در خانه‌ای می‌انداختند و وقتی به هوش می‌آمد، می‌فرمود: خدایا قوم مرا هدایت کن که در جهلند و نمی‌دانند. قریب نهصد و پنجاه سال مردم را به خدا دعوت کرد، ولی آن مردم جز بر طغیان و سرکشی خود نیافزودند تا جایی که مردم دست کودکان خود را می‌گرفتند و آنها را بالای سر نوح می‌آوردند و می‌گفتند: ای فرزندان اگر پس از ما زنده ماندید، مبدا از این دیوانه (العیاذ بالله) پیروی کنید و می‌گفتند: ای نوح! اگر دست از گفتارت برنداری سنگسار خواهی شد و هنگامی که آن حضرت سخن می‌گفت، انگشت‌ها را در گوش می‌گذاشتند و لباس خود را بر سر می‌کشیدند تا صدای او را نشنوند و صورت او را نبینند. کار را به جایی رساندند که نوح نبی "علیه السلام" به خدا استغاثه کرد و فرمود: خدایا من مغلوب یاریم ده و میان من و ایشان گشایشی فرما. (تاریخ الانبیاء، محلاتی: ص ۴۹)

امام علی (علیه السلام) استقامت را به استوانه اصلی در انجام امور تشبیه کرده و می‌فرماید: «الزَّمُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ دِعَامَةُ الْإِيمَانِ وَ مِلَاكُ الْأُمُورِ - همیشه مقاوم و شکیبا باشید که آن ستون ایمان و قوام کارهاست» (غرر الحکم: ح ۲۵۴۲)

فراقم سخت می‌آید ولیکن صبر می‌باید که گر بگریزم از سختی رفیق سست پیمانم

ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده استقامت:

معرفت و بصیرت: انسان تا زمانی که به امری شناخت نداشته باشد و ارزش و حکمت آن را نداند، گرایشی به آن امر پیدا نکرده و طالب آن نخواهد در قرآن کریم می‌خوانیم: إِذْ يُعْشِيكُمُ النَّعَاسُ أَمْنَةً مِنْهُ وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾ (به یاد آورید) هنگامی را که (خدا) خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او

بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاك گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم کند و گام‌هایتان را به وسیله آن استوار سازد.

ایمان و اعتقاد: از مهمترین مبانی و اصولی که هر استقامتی بدان نیازمند است، ایمان و اعتقاد قلبی می‌باشد که بدون آن، برخورداری از ثبات قدم و استقامت پایدار توهمی غیر قابل تحقق می‌باشد. در قرآن کریم می‌خوانیم که حضرت موسی "علیه السلام" به فرعون خطاب فرمود: «لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَايِرَ وَ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُوراً» (اسراء: آیه ۱۰۲). (موسی) گفت: تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین (برای روشنی دل‌ها) نفرستاده و من گمان می‌کنم ای فرعون، تو (به زودی) هلاک خواهی شد. در آغاز اسلام، خانواده‌ای کوچک، مستضعف و متشکل از چهار نفر وجود داشت که به طور عجیبی در برابر شکنجه‌های بی‌رحمانه مشرکان، استقامت نمودند. این چهار نفر عبارت بودند از: یاسر و سمیه (زن و شوهر) و دو فرزندشان به نام عمار و عبدالله. یاسر زیر رگبار شلاق دشمن، همچنان ایستادگی کرد و از اسلام خارج نشد تا جان سپرد. همسرش سمیه با اینکه پیرزن بود تا حدی که او را عجزه خوانده‌اند، با فریادهای خود در برابر شکنجه دشمنان استقامت نمود. سرانجام ابوجهل آخرین ضربه را به ناحیه شکم او زد و او نیز به شهادت رسید.

فرزندش عبدالله نیز تحت شکنجه شدید قرار گرفت، ولی استوار ماند. فرزند دیگرش عمار را به بیابان سوزان می‌بردند و در برابر تابش آفتاب عریان می‌کردند و زره آهنین بر تن نیم سوخته‌اش می‌نمودند و او را روی ریگ‌های سوزان بیابان مکه، که همچون پاره‌های آهن گداخته کوره آهن‌گران بود، می‌خوابانند به حدی که حلقه‌های زره در بدنش فرو می‌رفت؛ به او می‌گفتند: به محمد "صلی الله علیه و اله" کافر شود و دو بت لات و عزی را پرستش کند، اما او تسلیم شکنجه‌گران نمی‌شد. آثار پاره‌های آتش آنچنان در بدن عمار اثر کرده بود که وقتی پیامبر "صلی الله علیه و اله" او را آن‌گونه دید، که گویی بیماری برص گرفته و آثار پوستی این بیماری در صورت و بازوان و بدن وجود دارد، در حق او و خانواده‌اش فرمود: استقامت کنید ای خاندان یاسر، صبر نمایید که قطعاً وعده‌گاه شما بهشت است. (اشتهاردی: ج ۵، ص ۲۵).

ایستادگی بر اوامر و نواهی: ایستادگی بر انجام واجبات و ترک محرمات، انسان را در برابر حربه‌های شیطان و جنودش بیمه کند. در حدیثی از امام علی "علیه السلام" می‌خوانیم: «مَنْ اسْتَقَامَ فَالَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ زَلَّ فَالَى النَّارِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۹). هر کس که ایستادگی کند، ره به بهشت برد و هر که بلغزد، به دوزخ افتد.

مقابله با موانع: به فرموده قرآن کریم اصحاب کهف در برابر معاندین و مخالفین خود ایستادگی کرده و تسلیم نشدند؛ در قرآن کریم آمده است: وَ رَبَطْنَا عَلَي قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (کهف: آیه ۱۴). «و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است، هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم که اگر چنین کنیم، سخنی به گزاف گفته‌ایم».

دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم و اندر این کار دل خویش به دریا فکنم

نتایج و آثار و صبر و استقامت:

آرامش خاطر: در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (أحقاف: آیه ۱۳). به یقین کسانی که (از عمق قلب) گفتند: پروردگار ما تنها خداست، سپس (بر طبق آن) استقامت داشتند، (در دنیا و آخرت) نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت

سلامت جسم و قلب: امیرمؤمنان "علیه السلام" در تبیین نقش استقامت در سلامتی انسان می‌فرماید: «مَنْ لَزِمَ الاستِقَامَةَ لَزِمَتْهُ السَّلَامَةُ» (بحار الانوار: ج ۹۵، ص ۹۱). هر که به ایستادگی (در راه حق) چنگ زند، سلامت به او چنگ آویزد». بدین صورت که چون استقامت و ثبات قدم آثاری همچون آرامش را برای انسان به ارمغان می‌آورد، موجب سلامتی روح و روان انسانی و به دنبال آن سلامت جسمانی حاصل از آن می‌گردد.

فرونی برکات: در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذْقًا» (جن: آیه ۱۶). و (نیز به من وحی شده که) بی‌تردید اگر (انس و جن) بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت ورزند، حتماً آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب سازیم.

کرامت نفس: امام علی "علیه السلام" می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِمَنْهَجِ الاستِقَامَةِ؛ فَإِنَّهُ يُكْسِبُكَ الْكَرَامَةَ وَ يَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ» (غرر الحکم: ح ۶۱۲۷). «بر تو باد پایداری در راه راست؛ زیرا که این کار، به تو کرامت می‌بخشد و سرزنش را از تو باز می‌دارد».

محبت الهی: در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: آیه ۱۴۶). چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود ولیک به خون جگر شود
مصادیق استقامت و ثبات قدم:

استقامت در راه ایمان: امام علی "علیه السلام" در تبیین اهمیت این نوع از پایداری و استقامت می‌فرماید: «أَفْضَلُ السَّعَادَةِ اسْتِقَامَةُ الدِّينِ» (غرر الحکم: ح ۲۸۶۹). بالاترین خوشبختی، استقامت و پایداری در دین است».

استقامت در عهد و پیمان: قرآن کریم در توصیف اهل ایمان و استقامت به وفاداری آنها می‌فرماید: «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: آیه ۱۷۷). آنانند که با هر کس عهد بسته‌اند، به موقع خود وفا کنند و در حال تنگ‌دستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند،) آنها به حقیقت راست‌گویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند.

استقامت در تنگ‌دستی: امام جواد "علیه السلام" در نصیحت خود به یکی از اصحاب می‌فرماید: «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَ اعْتَنِقِ الْفَقْرَ وَ اَرْفُضِ الشَّهَوَاتِ» (تحف العقول: ص ۴۵۵). بر بالش صبر سر بینه، فقر را در آغوش بگیر و شهوات را از خود بران!». بدین معنا که در برابر فقر و تنگ‌دستی پایداری کن و در مقابل مشقات آن سر تعظیم فرود نیاور. رسول خدا "صلی الله علیه و اله" از فشار گرسنگی سنگ بر شکم مبارک خود می‌بست و با این حال، تبسم از لبان مقدسش که نشانه خشنودی قلبی است، قطع نمی‌شد.

همچنین بسیاری از یاران آن حضرت به قدری در تنگ‌دستی و فقر زندگی می‌کردند که نظیر آن کمتر دیده شده است، ولی در همان حال چین، به پیشانی نمی‌افکندند و زبان شکایت بر خدای خود نمی‌گشودند؛ همواره خشنود و سپاس‌گزار بودند و در جان‌بازی در راه خدا بر یکدیگر سبقت می‌جستند. (داستان‌های بحار الانوار: ج ۵، ص ۷۹).

استقامت در تهذیب: امام علی "علیه السلام" در تبیین اهمیت آن می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ تَمِينَةٌ؛ مَنْ صَانَهَا رَفَعَهَا وَ مَنْ ابْتَدَلَهَا وَضَعَهَا» (غرر الحکم: ح ۳۸۵۶). همانا نفس گوهری گران‌بها است. هر که آن را نگه داشت، بلند مرتبه‌اش گردانید و هر که از آن نگهداری نکرد، پست و خوارش ساخت».

استقامت در أخذ حق: قرآن کریم می‌فرماید: (خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ) (غررالحکم: ح ۳۸۵۶). آنچه را به شما دادیم، به اراده جدی فرا گیرید. زورگویی و غصب حقوق، رخت بر خواهد بست.

استقامت در طلب علم: در حدیثی از نبی مکرم اسلام "صلی الله علیه و اله" آمده است که: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى ذُلِّ التَّلَامُ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا» (بحار الانوار: ج ۷۷، ص ۱۶۴). آن کس که تحمل یک ساعت صبر کردن برای آموختن دانش را نداشته باشد، برای همیشه در ذلت نادانی خواهد ماند». سکاکی که یکی از دانشمندان بزرگ است، ده سال بر او گذشت و از دانش چیزی دست‌گیرش نشد. استاد او را ناامید کرد و از بحث خود راند. او سر به بیابان نهاد، چند روزی درکوه و بیابان‌ها سرگردان بود تا در غار کوهی چشمش به سنگی افتاد که در اثر چکیدن قطرات آب سوراخ شده بود؛ با خود گفت: «دل من که از سنگ سخت‌تر نیست». بار دیگر با کوشش هر چه تمام‌تر به تحصیل پرداخت و یکی از بزرگان علم شد که در عالم دانش کمتر نظیر دارد. (روضات الجنات، خوانساری: ج ۸، ص ۲۲۰). چنانچه امام علی "علیه السلام" در این رابطه می‌فرماید: «قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ» (نهج البلاغه، صبحی صالح: ص ۵۲۵). کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار بسیاری است که از آن ملول گردی».

استقامت در حیا و عفت: امام علی "علیه السلام" در رابطه با نقش حیا و عفت می‌فرماید: «الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُزْهِهْهَا عَنِ الدُّنْيَا» (غررالحکم: ح ۵۴۲۰). عفت، نفس را مصون می‌دارد و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد».

استقامت در برابر مصائب: عبدالله بن ابی یعفور روزی از کثرت امراض، حضور امام صادق "علیه السلام" شکایت کرد، آن حضرت در جواب فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ فِي الْمَصَائِبِ مِنَ الْأَجْرِ لَتَمَنَّى أَنْ يُقْرَضَ بِالْمَقَارِضِ» (بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۱۹۸). اگر مؤمن می‌دانست در مصائب و سختی‌ها چه اجری برای اوست، همانا آرزو می‌کرد که با قیچی‌ها تکه تکه شود (به بلاهای بسیار شدید دچار شود)».

رشته صبرم به مقرض غمت ببریده شد
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت
تا در آب و آتش عشقت گدازانم چو شمع
هشتاد و چهار زن و بچه‌ی به طناب بسته از آل رسول (ص)

السلام علیک یا ابا عبدالله - زیارت ناحیه مقدسه رو که ببینی، خود امام داره روضه می‌خونه "عرضه داشت: و سُبِّیْ اَهْلَکَ کَالْعَبِيدِ" حسین جان زن و بچه تو مثل برده‌ها به اسارت بردن و صَفْصِدُوا بِالْحَدِيدِ؛ دونه دونه شونو بازنجیر بسته بودن نه با طناب، با زنجیر (این نص زیارت ناحیه هستا) "أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ" دستاشونو به گردن بسته بودن یا صاحب الزمان آجرک الله "يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِیِ وَ الْفُلُوتِ" مثل برده‌ها ازین شهر به اون شهر می‌بردن. حسین... برشتران بی جهاز زن و بچه تو سوار کردن، اونقدر آفتاب پوست صورتاشونو سوزونده بود، اینجوری وارد کوفه شدن...

اگر چه با اسارت، کوچ از این دشت بلا کردم
نه تنها شهر کوفه شام را هم کربلا کردم
صفایم کربلا و مروه شام، اسم تو لبیکم
شروع سعی از گودال تا طشت طلا کردم
چهل منزل زیارت کرده ام ماه جمالت را
چهل منزل در نماز شب تو را هر شب دعا کردم
به اجرای وصیت های تو تنها کمر بستم
جدا شد بند بندم در کنار قتلگاه از هم
دل در قتلگه بودو دم دروازه ی کوفه
جدا شد بند بندم در کنار قتلگاه از هم
دلم در قتلگه بودو دم دروازه ی کوفه
غریبی علی و فاطمه بر من مجسم شد
شبی که دخترت را دفن در ویران سرا کردم
جمالت را زیارت بر فراز نیزه ها کردم
شبی که دخترت را دفن در ویران سرا کردم

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظيم

السلام عليكم يا اهل بيت النبوة